

در باره ی نزدیکی هرچه بیشتر رهبری حزب کمونیست ایران با جریان کمونیسم کارگری

کمیته ی مرکزی کومه له منتخب کنگره ی نهم در پلنوم دوم خود موقعیت کنونی حزب کمونیست ایران، تداوم دشمنی کورکورانه ی آن ها با کومه له و نزدیکی و هم گرایی هرچه بیشتر آن با جریان موسوم به کمونیسم کارگری را مورد بررسی قرار داده و بر روی نکات زیر تأکید نمود که آگاهی از آن را برای اطلاع عموم ضروری می داند:

۱- اکنون دیگر برای همگان روشن است که حزب کمونیست ایران هیچ واقعیت اجتماعی خارجی را نمایندگی نمی کند، با هیچ بخشی از پیشروان و یا توده های کارگری ایران پیوند ندارد چه برسد به نمایندگی و یا هدایت کردن آن ها، و به طور کلی هیچ پیوند و رابطه ای با هیچ حرکت و جنبش اجتماعی و سیاسی سراسری ایران ندارد و این را خود رهبران این حزب رسماً و کتباً اعتراف کرده اند. این حزب فاقد هرگونه آینده ی سیاسی بوده و روزنه ی امیدی هم برای تحول روبه پیش و تغییر وضعیت آن موجود نیست. رهبری کنونی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب نه توانائی و کیفیت نظری و سیاسی برای جلوگیری از این افول و به حاشیه رفتن این جریان را داراست و نه زمینه ی اجتماعی مساعدی برای این امر وجود دارد.

دیگر نباید تردیدی برای کسی باقی مانده باشد که پافشاری بر حفظ نام بی مسما و قالب تشکیلاتی بی محتوای این حزب نه فقط از هیچ ضرورت سیاسی ناشی نمی شود بلکه برعکس اکنون تنها مانند یک سنگر تشکیلاتی برای مقاومت در برابر ضرورت های سیاسی عمل می کند. به عبارت دیگر، حفظ «حزب کمونیست ایران» تنها منافع تشکیلاتی و سکتاریستی گرداندگان آن را منعکس می کند و کارکردی جز محافظت و قرنطینه کردن صفوف آن ها در مقابل گرایش پیوستن به کومه له ندارد.

اعلام نتایج نظرخواهی درون تشکیلاتی در حزب کمونیست ایران در قبال حفظ و یا کنار گذاشتن نام و قالب تشکیلاتی این حزب، رسمیت دادن به شکست آن گرایشی بود که ادعا می کرد خواهان کنار گذاشتن این قالب بود. افراد ذینفوذ این گرایش خود آن قدر در دشمنی کور با کومه له پیش رفته بودند که حتی حاضر نشدند عقایدی را که ادعا می کنند ابراز دارند و به این ترتیب توده ی تشکیلاتی این گرایش را فریب و مورد بهره برداری قرار داده و به نفع حزب کمونیست ایران خنثی و تضعیف کردند و درعمل به نیروی ذخیره ی خط رسمی حزب کمونیست ایران تبدیل نمودند.

۳- در مقابله با چنین وضعیتی است که رهبری حکا و سازمان کردستان آن در دوره ی اخیر انگیزه و نیاز هرچه بیشتری به طرف نزدیکی و هم گرایی با جریان موسوم به کمونیسم کارگری پیدا کرده است. ما بارها در مورد بی خطی نظری و سیاسی حاکم بر رهبری حزب کمونیست ایران و در مورد سست بودن و ناکافی بودن مرزبندی های تئوریک، سیاسی و روشی آن با جریان موسوم به کمونیسم کارگری و درغلتیدن ناگزیر خط رسمی حزب کمونیست ایران به طرف اتخاذ نظرات و مواضع کمونیسم کارگری صحبت کرده و افکار عمومی را مطلع کرده بودیم. به عنوان نمونه، اکنون دیدگاه و مواضع کمونیسم کارگری و رهبری حزب کمونیست ایران در مورد مسأله ی ملی و جنبش کردستان تقریباً به طور کامل

بر هم انطباق دارد.

این نزدیکی و هم‌گرایی با کمونیسم کارگری، همان‌گونه که قبلاً پیش‌بینی کرده بودیم، گسترش و تعمیق یافته و هرروز جدی‌تر می‌شود. درواقع رهبری حزب کمونیست ایران عامدانه و به‌طور اعلام‌نشده‌ای پروژه‌ی نزدیکی با جریان موسوم به کمونیسم کارگری را تشویق کرده و از پیش‌می‌برد و به همین منظور درحال خنثی کردن گام به گام قضاوت‌های منفی توده‌ی تشکیلاتی خودشان در مقابل کمونیسم کارگری و زمینه‌سازی برای توجیه این نزدیکی می‌باشد. به‌ویژه رهبری حزب کمونیست ایران به تغییر و تحولات آتی در حزب کمونیست کارگری ایران چشم دوخته و در فکر نزدیکی و ائتلاف عملی بیشتری با این جریان است. این در حالی است که جریان موسوم به کمونیسم کارگری مدت‌ها است که بی‌اعتبار و از میان جنبش کردستان طرد شده و دشمنی کور آن با جنبش انقلابی خلق کرد برهمه‌عیان و آشکار شده است. درمقابل، طبیعی است که این جریان نیز در صدد باشند از راه تأثیرگذاری بر روی رهبری حزب کمونیست ایران و نزدیکی و همکاری با آن بار دیگر جای پا در کردستان باز کنند و از این طریق برای توطئه‌گری و دشمنی خود نقطه‌ی اتکای جدیدی پیدا نمایند.

پروژه‌ی هم‌گرایی مورد بحث از یک طرف درجه‌ی بی‌خطی نظری و بی‌ثباتی سیاسی رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن را نشان می‌دهد و ازطرف دیگر بیان‌گر عمق درغلتیدن آن‌ها به سمت مسیری است که نهایتاً جز گسست از جریان سوسیالیستی در ایران و پشت کردن به جنبش انقلابی کردستان نتیجه‌ای نخواهد داشت. ما قبلاً نیز نسبت به عواقب زیان‌بار سیاست رهبری حزب کمونیست ایران مبنی بر نزدیکی با جریان کمونیسم کارگری و هم‌سوئی و ائتلاف ناگفته‌ی آن‌ها در ضدیت با کومه‌له هشدار داده بودیم. این ائتلاف اعلام‌نشده بیش از پیش دارد جامعه‌ی عمل می‌پوشد و ما لازم می‌دانیم یک بار دیگر توجه نیروهای چپ و سوسیالیست ایران و همه‌ی مبارزان و دوستداران جنبش کردستان را به این امر جلب کنیم.

۳_ در ماه‌های اخیر بار دیگر نشان داده شد که رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن برای خنثی کردن تأثیر مثبت فعالیت‌های اخیر کومه‌له بر صفوف «خودی»، توسل مجدد به افترا و نفرت پراکنی و پناه بردن به پیچ‌پچ‌ها و روابط محفلی را از وارد شدن در میدان بحث و دیالوگ سیاسی روش کارسازتر و امتحان‌پس‌داده تری یافته است. تداوم توسل رهبری حزب کمونیست ایران به این‌گونه تبلیغات زهرآگین در عین حال که بیان‌گر فقر نظری و ناتوانی سیاسی در برخورد به مسائل واقعی پیش‌روی جنبش است، تلاشی است برای پنهان کردن ناکامی‌های خود از دیده‌ها و واکنشی تدافعی در قبال پیش‌روی‌های کومه‌له می‌باشد و خاصیتی جز تحریک تشکیلاتی برای نگاه داشتن «انسجام» صفوف این حزب و بستن گوش آن‌ها در مقابل بحث‌های سیاسی انتقادی ندارد.

طبیعی است که عمر تأثیرگذاری این روش‌ها بسیار کوتاه است و با هربار استفاده کوتاه‌تر هم می‌شود و هیچ‌گاه نخواهد توانست ناکامی سیاسی در صحنه‌ی واقعی جامعه را جبران کند.